

اولین نمایش نامه نویس کودکان؛

هراتسوتای گاندرشیم

O نوشته گیلیان آدامز^۱

ترجمه بهار اشراق

به رغم اعتقاد استوار بسیاری از دانشجویان ادبیات کودک که به این باورند تا قبل از قرن هفدهم، واقعیتی به نام دوران کودکی و بنابراین، چیزی تحت عنوان ادبیات کودک وجود نداشته است، باید گفت افراد حرفه‌ای و زبده‌ای در زمان‌های پیش بودند که [نه به عنوان اهل ادبیات کودک] از جهات دیگر شناخته شده‌اند. هنرپیشه‌های کودک، نمایش‌نامه‌هایی که دربردارنده کاراکترهای کودک بود و تماشاگرانی که شامل خود کودکان می‌شد، در دوران بعد از قرون وسطی و رنسانس، عمومیت داشته است. گرچه

ممکن است پیش از این، کودکان در اجراهای عبادی نمایشی و معمولی به کار گرفته شده باشند، هراتسوتای^۲ کلیسای گاندرشیم،^۳ کشیش آلمانی، اولین نمایش‌نامه‌نویسی است که آثارش برای بازیگران و تماشاگران جوان برجای مانده است.

اکثر دانشجویان معتقدند که هراتسوتا، حدود سال ۹۳۵ میلادی به دنیا آمده و بین سال‌های ۹۷۵ تا ۱۰۰۲ میلادی می‌زیسته و در ۱۰۰۲ میلادی دارفانی را وداع گفته است. او در یک خانواده اصیل آلمانی‌زاده شد و احتمالاً تحصیلاتش را از دوران کودکی، آغاز کرده است. صومعه‌ای که او در آن‌جا تدریس می‌کرد، گاندرشیم، توسط اشراف‌زاده‌ای در سال ۸۰۲ میلادی، به عنوان مکان انسی ایجاد گردید تا دختران دوازده ساله را قبل از آن که زمان ازدواج از پیش تعیین شده آن‌ها فرا برسد، در آن‌جا نگهداری و یا آن‌ها را با دستورات مذهبی آشنا کنند. اعضای صومعه راهبه نبودند، بلکه کشیش بودند. آن‌ها سوگند پاکدامنی و اطاعت از اوامر را خورده بودند، اما فقیر نبودند. خدمتکاران خود را داشتند و از لباس‌ها و اموال خود استفاده

می‌کردند. هر زمانی هم می‌توانستند صومعه را ترک کنند و عهد و پیمان خود را نادیده بگیرند. گاندرشیم در قرون وسطی، معادل مدرسه کاتولیک طبقه برتر اجتماع امروزی است. آن‌جا بزرگ و گران بود و منابع خوبی در کتابخانه‌اش یافت می‌شد.

علاوه بر آن، صومعه در طول زندگی هراتسوتا، ارتباط بسیار نزدیکی با دادگاه سلطنتی امپراتوران آتونین^۴ داشت. هراتسوتا مجرد ماند و در بیست سالگی، معلم دختران جوان صومعه شد. احتمالاً این دختران جوان، تحصیلات خود را حدود هفت

سالگی آغاز کرده‌اند. در آن زمان در آلمان از زنانی که از جایگاه اجتماعی بالایی برخوردار بودند، انتظار می‌رفت افراد تحصیلکرده‌ای باشند. بنابراین، شغل

هراتسوتا تدریس لاتین، ادبیات کلاسیک، ادبیات مذهبی و آداب معاشرت (خصوصاً پاکدامنی) به گروهی دختران جوان بالقوه لوس و دنیادوست بود. یکی از راه‌حل‌هایی که هراتسوتا برای تدریس لاتین برگزید، جایگزین کردن نمایش‌نامه‌های لاتین کلاسیک، در برنامه درسی این دختران بود. نمایش‌نامه‌های ترنس^۵ - شش نمایش‌نامه به زبان لاتین در مورد جشن پاکدامنی.

این نمایش‌نامه‌ها بین سال‌های ۹۶۳ و ۹۶۵ میلادی نوشته شدند. بیشترین و کامل‌ترین نسخه دست‌نویس برجای مانده که احتمالاً در گاندرشیم در قرن هفدهم یا دوازدهم به وجود آمد، چند دست‌نوشته جزئی، نامنظم و پراکنده در مورد خصوصیات راهبه‌ها و شاید کودکان است.

ابتدا، دانشجویان تردید داشتند که آیا این نمایش‌نامه‌ها حقیقتاً اجرا شده‌اند. زیرا گمان این می‌رفت که از این نمایش‌نامه به عنوان متون درسی و یا خواندنی‌های سرگرم‌کننده هنگام صرف غذا، استفاده می‌شده است. امروزه از آثار دوران زندگی هراتسوتا چیزی در دسترس نیست، اما محل صحنه یکی از نمایش‌نامه‌ها نشان می‌دهد که آن‌ها در قرن دوازدهم اجرا می‌شده‌اند. در سال ۱۹۶۰، خواهر ماری مارگرتی باتلر^۶، با ضوابط و معیارهای نمایشی و نه ادبی، بر آن



ویژه نمایش
کودک و نوجوان



می‌کند و آن‌ها را به انبار خود می‌برد، بنابراین، می‌تواند آسان‌تر به آن‌ها دسترسی پیدا کند. هنگام ورود به انباری که ظرف و ظروف در آن نگهداری می‌شود، دویسلتیوس در تاریکی، کورمال کورمال به این طرف و آن طرف می‌رود، میان ظروف می‌افتد و... این صحنه، دل‌تک‌بازی نمایش است.

دختران او را از شکاف در می‌بینند و آیرین می‌گوید: «اینک صورت، داستان و لباس‌های بسیار کثیف شدند، خیلی کثیف. آن قدر دوده‌ای شده که به اثبوی‌ها [سباهان] می‌ماند.» آگپ در جواب او می‌گوید: «باید هم بدنش این چنین کثیف شود. زیرا ذهنش پر از افکار شیطانی است.» در پرده بعدی، از آن جایی که دوده سرتاسر بدن دویسلتیوس را می‌پوشاند، سربازانش پا به فرار می‌گذارند و نگهبانان او را به قصر راه نمی‌دهند. همسرش آشفته و سرگردان می‌شود و اقوامش به مقر حکومت او هجوم می‌آورند. امپراطور دستور مجازات دختران را می‌دهد و سرانجام، دو خواهر بزرگ‌تر زنده زنده سوزانده می‌شوند، اما آتش به بدن‌هایشان اثر نمی‌کند. آیرین، جوان‌ترین آن‌ها، با کمک فرشتگان به نوک کوه می‌گریزد. در پایان، همه دختران زیبا و شادابند و بدون هیچ دردی، جام شهادت را سرمی‌کشند.

آیرین آخرین سطرهای نمایش‌نامه را اجرا و پیام داستان را جمع‌بندی می‌کند: آن‌چه مرا بیش از همه خوشحال کرده، این است که تو به خاطر ناپختگی و خشونت طبیعت شیطانی خود به جهنم می‌روی. اما من به فیض شهادت نایل می‌شوم و تاج دوشیزگی^{۱۲} را بر سر می‌گذارم. بر تخت عروسی بهشتی پادشاه جاودانگی که همواره افتخار و سربلندی را به ارمان می‌آورد، تکیه می‌زنم.»

این نوع متن، به لحاظ زبان، طول مدت و طرح داستان خیلی نزدیک به ادبیات جوانان است تا به متون لاتین قرون وسطی و خصوصاً به بقیه درازگویی‌های هراتسوتا و آثار به احتمال قوی

شد تا ثابت کند این نمایش‌نامه‌ها زنده بوده و اجرا می‌شده‌اند. ماری نشان داد که چگونه طراحی صحنه این نمایش‌نامه‌ها در صومعه صورت گرفته و این که فقط استفاده از فنون نمایشی، شخصیت‌پردازی و تماشاگران می‌توانسته است در اجرای واقعی آن‌ها تأثیرگذار بوده باشد.

هیچ اطلاعاتی در این مورد که این نمایش‌نامه‌ها توسط چه افرادی اجرا می‌شده است، در دسترس نیست. شاید بازیگران این نمایش‌نامه‌ها، ترکیبی از کشیش‌های پیر و جوان بوده باشند. شاید خدمتکاران و سربازان مرد پادگان که در صومعه به سر می‌بردند، نقش‌های مرد را بازی می‌کرده‌اند. بعید به نظر می‌رسد که نمایش‌نامه‌ها توسط بازیگران غیرمذهبی، بازیگران سیار حرفه‌ای که در آن زمان با موضوع پاکدامنی کار می‌کردند، اجرا شده باشد. البته، موضوع و زبان ساده این نمایش‌نامه‌ها و کاراکترهای دختران جوان، حاکی از آن است که نمایش‌نامه‌های مدرسه‌ای‌اند. ممکن است این نمایش‌نامه‌ها به مناسبت روز والدین در قرون وسطی، توسط دانش‌آموزان در دادگاهی حول و حوش صومعه، برای والدین اجرا می‌شده است.

یک نمونه جالب این نمایش‌نامه‌ها را دویسلتیوس^۷ تدارک دیده است. نمایش این‌گونه آغاز می‌شود: امپراطور ملحدی به نام دایلشن،^۸ به سه دختر مسیح جوان به نام‌های خواهر آگپ،^۹ چوینیا^{۱۰} و آیرین^{۱۱} می‌گوید که باید به همسری نجیب‌زادگانی که او برگزیده است، درآیند. باید گفت این موقعیتی است که اکثر شاگردان هراتسوتا در سنین بلوغ با آن رو به رو می‌شدند. رد کردن این ازدواج هم برای این دختران بعید و ناممکن بوده است. اما از آن جایی که این یک موقعیت داستانی است که در گذشته‌های دور اتفاق می‌افتد و چون دختران مسیحی‌اند و دامادهای ناشناس ملحداند، همان‌طور که در بسیاری از افسانه‌های قدیسان وجود دارد، این امر جایز است که دختر بزرگ‌تر، این وصلت را رد کند. دو خواهر او با گستاخی فزاینده‌ای به حمایت خواهر بزرگ‌تر می‌آیند تا این که دایلشن تصمیم می‌گیرد هر سه را به زندان بیفکند تا توسط دویسلتیوس بی‌عیب محاکمه شوند. در پرده دوم، دویسلتیوس دختران را می‌بیند، شهوت بر او غلبه

خسته‌کننده و بلاغی او.

امروزه شهرت او به طور گسترده‌ای در محدوده این مجموعه نمایش‌نامه‌های کوتاه که حاکی از قدرت دختران در حفظ شخصیت، اصالت و پیروزی‌شان بر سلطه مردانه است، دور می‌زند.

هراتسوتا مانند هر معلم خوب، از طریق ادبیات می‌کوشد تا به جوانان اجازه دهد که از رسم و رسوم ازدواج از پیش تعیین شده طبقه مرفه جامعه که گریبان‌گیر آن‌هاست، سرپیچی کنند و الحاق، به بهترین نحو توانسته است از پس آن برآید.

منبع:

Bookbird ۱۹۹۸

پی‌نوشت‌ها:

۱- گیلیان آدامز، ویراستار نشریه چکیده‌های ادبیات کودک و نیز دستیار ویراستار نشریه سه ماهه انجمن ادبیات کودک است. این مقاله، گوشه‌ای از تحقیق او است. Gillian Adams

۲. Hrot Svitha

۳. Gander sheim

۴. Ottonian سلطنت آلمان غربی

۵. terence کمدی‌نویس روسی

۶. Mary Marguerite Butler

۷. Kioctelian

۸. Dulaitius

۹. Agape

۱۰. Chionia

۱۱. Irene

۱۲. Virgin دوشیزگی